

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۴ دسمبر ۲۰۱۱

## تروتسکیسم

تروتسکیسم یک ایدئولوژی بورژوائی است که به نام ابداع کننده آن "لئون تروتسکی" که تا سال ۱۹۲۹ عضو کمیته مرکزی حزب بلشویک روسیه بود، خوانده می شود. جوهر این تئوری عبارت از نفی نقش توده های دهقانی در انقلاب دموکراتیک و رهبری طبقه کارگر بر دهقانان و در نتیجه نفی انقلاب دموکراتیک، تخطئه تئوری مارکسیستی – لنینیستی گذار از انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی تحت لوای تئوری نو ظهور "انقلاب پر منانت" (انقلاب دائمی یا پی در پی)، نفی دیکتاتوری پرولتاریا و امکان ضرورت انقلاب و ساختمان سوسیالیستی در یک کشور در شرایط احاطه سرمایه داری جهانی.

در مورد مسایل تشکیلاتی جنبش کارگری، تروتسکیسم از طرفی نافی حزب آهنین پرولتری و مخالف سر سخت تئوری لنینی حزب و مروج ایده ها و نسخه های بورژوا – لیبرالی و منشویکی در این زمینه بوده و از طرف دیگر، در مسأله ارتباط میان پیشاهنگ پرولتاریا و حزب آن با توده ها و سازمان های توده ئی و سندیکائی مبلغ تفکر و بینش بوروکراتیک، سکتاریستی و مستبدانه ضد دموکراتیک است.

بدین جهات، تروتسکیسم یک جریان و ایدئولوژی کاملاً بورژوائی و ضد انقلابی است که در نقطه مقابل لنینیسم قرار گرفته و با پوشش "جیب" به درون جنبش کارگری و مارکسیستی رخنه می کند تا آرمان رهائی پرولتاریائی و کمونیسم و امر انقلاب را دچار شکست سازد.

لنین در رد نظرات تروتسکی به کرات به افشاءگری پرداخته است. وی از جمله در مقاله "دو راه انقلاب" می نویسد:

"تئوری نو ظهور تروتسکی امر دعوت به مبارزه انقلابی برای تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا را از بلشویک ها به عاریت گرفته و "انکار" نقش دهقانان را از منشویک ها، به اعتقاد تروتسکی گویا طبقه دهقان اکنون دیگر تقسیم و تجزیه شده و قابلیت آن برای ایفای یک نقش انقلابی هر چه کمتر شده است. به اعتقاد تروتسکی، در روسیه یک انقلاب "ملی" غیر ممکن است، زیرا "ما در دوران امپریالیسم به سر می بریم" و "امپریالیسم" نه این که ملت بورژوا را در برابر رژیم کهن، بلکه پرولتاریا را در برابر بورژوازی قرار می دهد." (...)

"تروتسکی در حقیقت به یاری سیاستمداران کارگری لیبرال روسیه می شتابد که قصد شان از "انکار" نقش دهقانان اینست که از تشویق آنان به انقلاب ممانعت به عمل آورند."<sup>۱</sup>

بدین ترتیب تروتسکیسم با جابه جایی تضاد عمده جامعه روسیه آن زمان و قرار دادن تضاد میان بورژوازی و پرولتاریا به جای تضاد عمده واقعی (میان دموکراسی بورژوائی انقلابی و حکومت بورژوا - فئودال و تزاریسیم)، ضرورت مرحله انقلاب دموکراتیک را نفی کرده و در برابر شعار بلشویکی و لنینی، "سرنگونی تزاریسیم" را علم می کرد و این ادعای پوچ را عنوان می نمود که "انقلاب به اهداف بورژوائی خود نمی تواند نائل گردد مگر با به قدرت رسیدن پرولتاریا"<sup>۲</sup>. او به این تئوری نو ظهور خود "انقلاب پرمناخت" یا (پی در پی) نام داد تا با استفاده از اصطلاحی که مارکس در سال ۱۸۴۰ به کار برده بود در واقع انقلاب را از محتوای حقیقی خود تهی نماید.

لنین در افشای "انقلاب پرمناخت یا پی در پی تروتسکی" از محتوای انقلابی مارکسیسم دفاع نموده و تئوری مارکسیستی "انقلاب بلا انقطاع" و گذار مرحله ای از انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی به اتکاء بر دهقانان و تحت رهبری پرولتاریا را قرار می دهد. لنین می گوید: "درست به همان اندازه که نیروی ما یعنی نیروی پرولتاریای آگاه و متشکل اجازه دهد، ما فوراً به عبور از انقلاب دموکراتیک به سوی انقلاب سوسیالیستی آغاز خواهیم نمود. ما طرفدار انقلاب پی در پی هستیم. ما در نیمه راه توقف نخواهیم کرد... ما با تمام نیروی خویش به تمام دهقانان کمک می کنیم که انقلاب دموکراتیک را انجام دهند تا این که برای ما، برای حزب پرولتاریا، گذار به سوی وظیفه تازه و عالیتری، یعنی گذار به سوی انقلاب سوسیالیستی در اسرع وقت، آسانتر امکان پذیر گردد."<sup>۳</sup>

لنین پس از این سطور که در سال ۱۹۰۵ نوشته است، در همین مورد در سال ۱۹۰۹ نیز نوشت: "تروتسکی یک اشتباه اساسی مرتکب می شود؛ او خصلت بورژوائی انقلاب را نمی بیند و چگونگی گذار از انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی را درک نمی کند."<sup>۴</sup>

ستالین نیز در توضیح مبارزه لنین علیه تروتسکی می نویسد: "بنابراین جنگ لنین با طرفداران انقلاب "پرمناخت" بر سویی در پی بودن انقلاب نبود، چون لنین خودش نیز دارای نظریه انقلاب پی در پی بود، بلکه بر سر این بود که آنها به نقش دهقانان که بزرگترین ارتش ذخیره پرولتاریا می باشند، قیمت نمی گذاشتند."<sup>۵</sup>

جنبه دیگر انحراف تروتسکیسم "عدم ایمان به نیرو و استعداد پرولتاریا"<sup>۶</sup> در رهبری دهقانان در انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی است. تروتسکی همواره دهقانان و پرولتاریا را در برابر هم قرار داده و آنها را در تضاد آشتی ناپذیر با یک دیگر می دید. او اتحاد کارگران و دهقانان را، اتحادی که اساس دیکتاتوری پرولتاریا را پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی تشکیل می دهد، به روشنی نفی می کند و به عکس چنین پیش بینی می کند:

"پیشاهنگ پرولتاریا، از همان نخستین روز های حاکمیت خود (...) نه تنها با گروه های بورژوائی که از آغاز مبارزه انقلابی او از وی پشتیبانی خواهند کرد، بلکه همچنین با توده های عظیم دهقان که به یاری آنها به حکومت خواهد رسید در تصادم خصمانه قرار می گیرد."<sup>۷</sup>

۱- لنین: "دو راه انقلاب"

۲- تروتسکی: مقدمه بر "۱۹۰۵"

۳- لنین: "موضع سوسیال دموکراسی در قبال جنبش دهقانی"

۴- لنین: "هدف مبارزه پرولتاریا در انقلاب ما"

۵- استالین: "در باره مسائل لنینیسم"

۶- استالین: "در باره مسائل لنینیسم"

۷- تروتسکی: "مقدمه بر ۱۹۰۵"

به این اساس تروتسکی نماینده یک جریان شکست طلبانه ضد انقلابی در زمان ساختمان سوسیالیسم می گردد. او امکان ساختمان سوسیالیسم در یک کشور را از توان نیرو های پرولتری و توده ئی آن کشور خارج می بیند و آن را به انقلاب جهانی و یا انقلاب در چند کشور عمده اروپائی مشروط و محول می سازد:

"تضاد های حاکم بر شرایط یک دولت کارگری در یک کشور عقب افتاده، در کشوری که اکثریت شکننده اهالی را دهقانان تشکیل می دهند، تنها می توانند در سطح بین المللی و در عرصه انقلابی جهانی پرولتاریا، راه حل خود را بیابند."<sup>۸</sup>

در مقابل تروتسکی، لنین و ستالین با قاطعیت تمام از آرمان سوسیالیسم دفاع کرده و امکان حتمی بودن ساختمان سوسیالیسم در نخستین کشور سوسیالیستی جهان را نشان داده و ایمان راسخ خود را به این امر در برابر شکست طلبی و خیانت تروتسکی به طور پیگیر در تئوری و پراتیک به ظهور رساندند. لنین به روشنی ثابت نمود که با وجود قرار گرفتن مالکیت ابزار مهم تولید و قدرت دولتی در دست پرولتاریا، با وجود اتحاد کارگران و دهقانان و رهبری دهقانان توسط پرولتاریا، "ما هر آنچه را که برای ساختمان سوسیالیسم لازم و کافی است در اختیار داریم"<sup>۹</sup>. ستالین که پس از مرگ لنین وظیفه خطیر رهبری نخستین کشور سوسیالیستی جهان را به سوی ساختمان سوسیالیسم بر عهده داشت، مبارزه قاطعانه ای را علیه تروتسکی، یاران و نظرات او به پیش برد. ستالین در افشای تز به اصطلاح "انقلاب جهانی" تروتسکی می نویسد:

"اما چه باید کرد اگر انقلاب جهانی به تأخیر افتد؟ آیا در اینصورت نور امیدی برای انقلاب ما باقی می ماند؟ تروتسکی برای ما هیچ نور امیدی باقی نمی گذارد. (... بنابر نقشه تروتسکی، برای انقلاب ما یک دورنما بیشتر باقی نمی ماند: انقلاب ما باید در کلاف سر در گم تضاد های خود در جا بزند و در انتظار انقلاب جهانی بیوسد."<sup>۱۰</sup>

لنین و ستالین همواره بر این اعتقاد بوده اند که بیروزی نهائی سوسیالیسم در شوروی بدون انقلاب در سطح جهانی و یا حداقل در یک سلسله کشور های اصلی سرمایه داری امکان پذیر نیست. اما ساختمان سوسیالیسم در یک کشور سوسیالیستی کاملاً امکان پذیر است و موفقیت در انجام این وظیفه خطیر گام بزرگی است در راه تحقق جامعه کمونیستی آینده. بنابراین دفاع از انقلاب جهانی و مبارزه به خاطر آن بدون بیکار برای ساختمان سوسیالیسم در کشوری که در آن انقلاب صورت گرفته مفهومی ندارد.

ستالین همچنین به روشنی نشان داد که مخالفت تروتسکی با ساختمان سوسیالیسم در شوروی نه تنها در نفی نقش دهقانان و نقش رهبری پرولتاریا، نه تنها در عدم ایمان به نقش تاریخ ساز توده ها و عمده کردن کمک خارجی (پشتیبانی پرولتاریای کشور های سرمایه داری و ملل تحت ستم)، بلکه همچنین در عدم درک تئوری لنینی امپریالیسم و در نتیجه نفی انقلاب اکتوبر ریشه دارد. تروتسکی در واقع این حقیقت را که لنین به روشنی نشان داده و وقوع انقلاب اکتوبر آن را در عمل به اثبات رسانده است، این حقیقت را که ناموزونی تکامل کاپیتالیزم به ناگزیر به گسستن زنجیر بردگی و اسارت آن در ضعیف ترین حلقه آن می انجامد، نفی می کند و در نتیجه نمی تواند درک کند چرا نخستین انقلاب سوسیالیستی تاریخ در روسیه به وقوع می پیوندد. خلاف تروتسکی، لنین و ستالین به کمک خارجی نه به مثابه عامل اصلی بلکه به مثابه عامل کمکی ولی ضروری می نگرند و به خصوص برای انقلاب رهایی بخش ملی و اجتماعی در مستعمرات و نو مستعمرات به مثابه پشتیبان نخستین کشور شورا ها اهمیتی اساسی

<sup>۸</sup>- تروتسکی: "مقدمه بر ۱۹۰۵"

<sup>۹</sup>- استالین: "انقلاب اکتوبر و تاکتیک کمونیست های روسیه" در "مسائل لنینیسم"

<sup>۱۰</sup>- استالین: "انقلاب اکتوبر و تاکتیک کمونیست های روسیه" در "مسائل لنینیسم"

فائلند. درست همین عامل اساسی را نیز تروتسکی نفی می کند. او از آنجائی که به نقش دهقانان اعتقاد ندارد، نمی تواند نقش عظیم انقلابی توده های ملیونی خلق های مستعمرات و نیمه مستعمرات را در انقلاب جهانی درک کند و جنبش آن ها را جنبش صرفاً بورژوائی می داند. حال آنکه از نقطه نظر مارکسیست لنینیست ها، با وقوع انقلاب اکتوبر، جنبش رهائی بخش ملی در مستعمرات و نیمه مستعمرات به بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریائی تبدیل می گردد. بنابراین، تروتسکیسم که بر نفی نقش انقلابی توده های دهقان و نفی انقلاب دموکراتیک استوار است، به ویژه در کشور های تحت سلطه امپریالیسم که در آنها دهقانان نیروی عمده را تشکیل می دهند و انقلاب دموکراتیک نوین مرحله کنونی انقلاب آنها است، نقش مخرب و ضد انقلابی بسیار خطرناکی را ایفاء می کند.

تروتسکیست های کنونی به پیروی از افکار پوسیده و ضد مارکسیستی پدر معنوی شان، انقلاب دموکراتیک در کشور های تحت سلطه امپریالیسم را به بهانه "عدم رشد نیرو های مولده" نفی می کنند و مبارزه برای دموکراسی را به ایجاد ریفرم هائی در سطح جهت تسهیل رشد سرمایه داری (یعنی تقویت سلطه امپریالیسم)، دون سرنگونگی نظام حاکم خلاصه می کنند.

تضاد میان مارکسیسم و تروتسکیسم تضادی است آشتی ناپذیر. به همین خاطر، در کلیه انقلابات پیروزمند، پیروزی کمونیست ها بدون طرد کامل تروتسکیسم به مثابه یک ایدئولوژی و جریان ضد انقلابی میسر نگردید. در کشور شورا ها، تضاد میان نظرات درست و مارکسیستی ستالین که ادامه دهنده نظرات لنین بود و نظرات تروتسکی و همپالگی های او سر انجام به اخراج تروتسکی از حزب انجامید. تروتسکی در تبعید به مبارزه ضد انقلابی خود علیه سوسیالیسم و کشور شورا ها پیگیرانه ادامه داد و در جریان تهاجم ارتش هیتلری به اتحاد شوروی با طرح شعار سرنگونی "ستالینیسم" (یعنی سرنگونی دولت شورا ها و فرمانده کبیر جنگ ضد فاشیستی، ستالین) عملاً به اردوگاه فاشیسم و متجاوزان هیتلری پیوست. گروهک های تروتسکیستی در همه جا به تخریب و اخلال و پروکاسیون علیه جنبش کارگری و انقلابی پرداختند و در برخی کشور ها آشکارا به فاشیست ها پیوستند. در ویتنام، رفیق هوشی مین دستور اکید طرد کامل سیاسی و فزیک تروتسکیست های خائن را صادر نمود. در چین رفیق مائوتسه دون به افشاء و طرد بیرحمانه تروتسکیست ها کمر بست. مائوتسه دون در افشای تروتسکیست ها در چین نشان داد که چگونه سرمایه داران چینی موافق اشغالگران جاپانی برای پیشبرد مقاصد خود تروتسکیست ها را اجیر کردند "تا قلم را مانند شمشیر بر افرازند" و "از انبان خود بنجل هائی مانند "تنوری انقلاب واحد" را در آورند" مائوتسه دون می گوید: "تنوری انقلاب واحد، تنوری اعراض از انقلاب است". "انجام انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی به یکبار... انجام دو انقلاب به یکبار امکان پذیر است":

"چنین نظراتی که مراحل انقلاب را با هم مخلوط می کنند و از کوششی که در برابر وظیفه کنونی لازم است می کاهد، به نوبه خود بسیار زیان بخش است. این درست است که گفته شود که از دو مرحله انقلاب، مرحله نخستین شرایط مرحله دوم را فراهم می سازد و هر دو مرحله باید به هم متصل باشد، بدون این که امکان داده شود یک مرحله دیکتاتوری بورژوازی میان آنها فاصل افتد. اینست تنوری مارکسیستی تکامل انقلاب."<sup>۱۱</sup>

با آن که در بیشتر از ۹ دهه اخیر وقایع بزرگ تاریخی مانند تحقق ساختمان سوسیالیسم در شوروی، پیروزی انقلابات در مستعمرات و نیمه مستعمرات به ویژه در چین، ضربات سختی بر تروتسکیسم وارد آورده اند، لیکن خیانتت لاعلاج رویزیونیست های شوروی و چین به مارکسیسم، لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون نفسی دوباره به

<sup>۱۱</sup> - مائوتسه دون: "در باره دموکراسی نوین"

تروتسکیسم بخشیده و این جریان ضد انقلابی از طرفی از آخور رویزیونیسم مدرن تغذیه کرده و از طرف دیگر از سر درگمی حاصله در جنبش کارگری بیشترین بهره را به سود خود بهره می جویند.

\*\*\*\*

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم